

## تعداد و مصادیق خلفای بعد از پیامبر ﷺ در صحاح سته

زینب شجاعی<sup>۱</sup>، معصومه گل‌گلی<sup>۲</sup>

### چکیده

شیعه در مسئله خلافت و جانشینی معتقد است که پیامبر ﷺ به دستور خداوند، حضرت علی علیه السلام را برای منصب امامت انتخاب کرده بود. براساس روایات معتبر در منابع شیعی، پیامبر ﷺ نه تنها حضرت علی علیه السلام بلکه بقیه جانشینان آن حضرت و حتی مصادیق و نام آنها را نیز مشخص و به مردم ابلاغ کرده بود، اما این مسئله نزد اهل سنت انکار می‌شود. آنها تعداد و مصادیق خلفای معرفی شده از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را رد می‌کنند. بنابراین، پژوهش حاضر برای روشن شدن حقیقت و اثبات حقانیت امامان دوازده‌گانه سعی دارد از منابع اصلی و معتبر اهل سنت، تعداد و مصادیق خلفای پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که آیا خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره تعداد و مصداق جانشینان خود مطالبی به امت فرموده است یا خیر. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخنانی داشته است آیا در کتب اهل سنت این مطالب هنوز هم یافت می‌شود. براین اساس نوشتار حاضر با روش کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و به شیوه توصیفی-تحلیلی در صحاح سته اهل سنت پژوهش کرده است و به این نکته دست یافته که تعداد و مصادیق خلفای دوازده‌گانه در مجامع روایی اصلی اهل سنت یعنی، صحاح سته، ثبت و ضبط شده و با اندکی تأمل و تفکر، می‌توان به حقیقت امر دست یافت و براساس همان کتب اهل سنت، تعداد و مصادیق خلفای بر حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را شناسایی کرد.

**واژگان کلیدی:** خلیفه، امام، صحیح بخاری، صحاح سته، حدیث دوازده خلیفه،

امام علی علیه السلام.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، افغانستان.

۲. استادیار کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، عراق.

## ۱. مقدمه

اختلاف بر سر جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از مسائل مهم بین شیعه و اهل سنت است، پس روشن شدن این مسئله به حقیقت پژوهان و کسانی که می‌خواهند با آشکار شدن حق از آن پیروی کنند و به گمراهی خود پایان دهند، کمک می‌کند. مشخص شدن این مسئله که پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسی یا چه کسانی و چه تعداد از جانشینان خود را به مردم معرفی کرده بسیار مهم است؛ زیرا این مسئله نیز یکی از دستورات الهی است که با ابلاغ آن به مردم، حجت بر آنها تمام شده و عواقب ترک آن بر عهده خود آنها گذاشته شده است. بنابراین، تحقیق در این مسئله بسیار ضروری و مهم است. در تفکر اسلامی، همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله باید جانشینی باشد. بر اساس این قاعده پیامبر صلی الله علیه و آله افرادی را به عنوان جانشین انتخاب کرد، اما این افراد مورد اتفاق همه گروه‌های اسلامی نبودند و برخی از پذیرش خلفای انتخاب شده سرپیچی کردند. پژوهش حاضر با مطالعه صحاح سته، احادیثی که در مورد تعداد و مصادیق خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله است را جمع‌آوری کرده است و به این پرسش که از چه کسانی به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله باید پیروی کرد، پاسخ می‌دهد.

با مطالعاتی که صورت گرفت هیچ کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان یافت نشد. تنها مقاله‌ای با عنوان بازخوانی احادیث خلفای دوازده‌گانه پیامبر صلی الله علیه و آله با تأکید بر منابع اهل سنت یافت شد که پیرامون مصداق خلفای دوازده‌گانه در روایات و تبیین آن از برخی آیات قرآن تحقیق کرده است. در نوشتار حاضر علاوه بر بررسی روایات مصداق جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله روایات تعداد خلفا نیز از صحاح سته بررسی شده است. بر همین اساس تحقیق حاضر ابتدا تعداد خلفای بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در صحاح سته و سپس مصادیق خلفا در آن را بررسی می‌کند.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. خلیفه در لغت

در زبان عربی خلافت به معنای جانشینی و نیابت است. خلیفه یعنی، جانشین، نایب، قائم مقام و... . راغب اصفهانی در کتاب مفردات می‌نویسد: «و الخلافة، النيابة عن الغير اما لغيبة المنوب عنه و اما لموته

و اما لعجزه و اما لتشريف المستخلف و على هذا الوجه الاخير استخلف الله اولياءه في الارض؛ خلافت، نيابت از غير است در اثر غيبت منوب عنه يا براي مرگ وي و يا براي عاجزبودنش و يا براي شرافت و بزرگداشت نائب و از اين قبيل است كه خداوند جهت شرافت اوليائش آنان را در زمين خليفه كرده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۴).

## ۲-۲. خليفه در اصطلاح

واژه خليفه در دوران صحابه نيز به همين معنای لغوی به كار رفته است. (عسکری، ۱۳۸۸، ۲۲۳/۱) بسياری از دانشمندان اهل سنت، خلافت و امامت را مرادف هم می دانند و گفته اند خلافت و امامت يك معنا دارد. در هر جا يكي از آنها صادق باشد ديگري نيز صادق خواهد بود. ابن خلدون می گوید: «خلافت يعنی، نيابت از صاحب شريعت در حفظ دين و سياست دنيا و به همين اعتبار، خلافت و امامت گفته می شود و متصدي آن مقام را خليفه و امام می گویند» (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ۲۳۹/۱). خليفه در حديث رسول خدا ﷺ نيز به همين معنا آمده است: «اللهم ارحم خلفائي، اللهم ارحم خلفائي، اللهم ارحم خلفائي، قيل له: يا رسول الله! من خلفاؤك؟ قال: الذين يأتون من بعدي يروون حديثي و سنتي؛ خداوند جانشينانم را ببخش، خداوند جانشينانم را ببخش، خداوند جانشينانم را ببخش، گفته شد: ای رسول خدا جانشينان شما كيانند؟ فرمود: کسانی كه بعد از من می آیند و حديث و سنت مرا روايت می کنند» (عسکری، ۱۳۸۸، ۲۲۳/۱). اين واژه با همين معنا در بسياری از آيات قرآن كريم مانند آيات ۶۹، ۷۴ و ۱۶۹ سوره اعراف و آيه ۵۹ سوره مريم آمده است. بنابراین، معنای اصطلاحی خليفه همان معنای لغوی آن است.

## ۳. معرفی صحاح سته و مؤلفان آنها

صحاح سته عنوانی عمومی بر شش كتاب حديثی اهل سنت است كه از معروفترين كتب روايي آنهاست و جایگاه بالایی دارد. از دیدگاه بزرگان اهل سنت اين شش كتاب اعتبار زيادی دارند. مزی، عالم شافعی قرن هشتم در بيان اين دیدگاه اهل سنت اين شش كتاب را بهترین و صحیح ترین كتب نزد مخالفان و موافقان معرفی کرده است و با تمجید از مؤلفان آنها مجامع روايي را صحاح نامیده و مجموعه آنها را در

شش کتاب روایی صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن نسایی، سنن ابن ماجه و سنن ابی داود منحصر کرده است. (الکلبی الدمشقی المزی، بی تا، ۱/۱۴۵)

### ۱-۳. صحیح بخاری

نام کامل این کتاب الجامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله و سننه وایامه و به طور مختصر معروف به صحیح بخاری است. مؤلف آن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بزدزیه (الذهبی، بی تا، ۱/۷۹) محدث معروف قرن سوم است (ابن خلگان، ۱۹۷۱، ۴/۱۸۸). وی اهل بخارا و متولد سال ۱۹۴ هـ. ق و وفاتش سال ۲۵۶ هـ. ق (الذهبی، ۱۴۱۹، ۲/۱۰۵) در یکی از روستاهای سمرقند است. صحیح بخاری ۹۷ کتاب و ۳۴۵۰ باب دارد. تعداد احادیث آن ۷۲۵۷ و با حذف احادیث مکرر ۲۶۰۲ حدیث است (القسطانی، ۱۳۲۳، ۱/۲۸).

### ۲-۳. صحیح مسلم

نام دیگر این کتاب الجامع الصحیح است. مؤلف آن ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری متولد ۲۰۴ هـ. ق در نیشابور است. (الذهبی، ۱۴۱۹، ۲/۱۲۵) صحیح مسلم دومین کتاب از صحاح سته است که به همراه صحیح بخاری به صحیحین مشهور است. درباره میزان اعتبار این کتاب باید گفت که بزرگان اهل سنت برای بیان اعتبار کتاب مسلم به آن صحیح مسلم گفته اند. مجموعه احادیث صحیح مسلم حدود ۴۰۰۰ حدیث است که با احتساب مقدمه در ۵۷ باب دسته بندی شده اند.

### ۳-۳. سنن ابی داود

مؤلف آن ابوداود سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشیر بن ازدی سجستانی در ۲۰۲ هـ. ق در سیستان به دنیا آمد و در ۲۷۵ ق در بصره دیده از جهان فرو بست. (الذهبی، ۱۴۱۹، ۲/۱۲۸) این کتاب در بردارنده ۳۵ کتاب و ۱۸۷۱ باب و تمام احادیث آن حدود ۴۸۰۰ حدیث است. ابی داود احادیث سنن را با شنیدن از ثقات جمع آوری کرده است. مسلم بن حجاج از مشایخ بزرگ خراسان، عراق، شام، مصر، مکه و مدینه احادیث بسیاری شنیده و نوشته است، اما از میان آنها چهار هزار و هشتاد و هشتصد حدیث صحیح و قریب به صحیح انتخاب کرده و در کتاب سنن خود آورده است.

### ۳-۴. صحیح ترمذی

چهارمین کتاب از مجموعه صحاح سته، سنن ترمذی نام دارد. نویسنده آن محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک الترمذی محدث معروف قرن سوم و از شاگردان بخاری است که سال ۲۷۹ هـ. ق به دنیا آمد و در سال ۲۰۹ هـ. ق از دنیا رفت. (العسقلانی، ۱۴۰۴، ۳۸۷/۹) امام ترمذی کتاب‌های چندی در علم حدیث تألیف کرده است که معروف‌ترین آنها جامع یاسنن است. این اثر در بردارنده پنج هزار حدیث نبوی است و به نام‌های جامع ترمذی، صحیح ترمذی و جامع صحیح نیز معروف است.

### ۳-۵. سنن ابن ماجه

مؤلف این کتاب ابو عبدالله محمد بن یزید القزوی بن ماجه الربعی معروف به ابن ماجه است. وی در سال ۲۰۷ هـ. ق به دنیا آمد و در سال ۲۷۳ هـ. ق (الذهبی، ۱۴۱۹، ۱۵۵/۲) در قزوین وفات کرد. ابن ماجه از محدثان، حافظان و دانشمندان ایرانی اهل سنت است. ابن ماجه برای نوشتن کتاب سنن خود و دریافت حدیث به ری، عراق، مصر، شام، مکه و مدینه مسافرت کرده است.

### ۳-۶. صحیح نسائی

مؤلف آن ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب بن علی بن سنان بن بحر الخراسانی در سال ۲۱۵ هـ. ق به دنیا آمد (الذهبی، ۱۴۱۹، ۱۹۴/۲) و در سال ۳۰۳ در فلسطین چشم از جهان فرو بست (العسقلانی، ۱۴۰۴، ۳۹/۱). درباره چگونگی نوشتن این کتاب آمده است که امام نسایی ابتدا کتاب السنن الکبری را تدوین کرد، اما امیر شهر از وی خواست احادیث صحیح را از غیر صحیح مشخص کند. این امر باعث شد امام نسایی کتاب السنن الصغری را تألیف کند و آن را المجتبی بنامد. امام نسایی در تألیف السنن الصغری دقت بسیاری کرد به همین دلیل عده‌ای از علما معتقد شدند که رتبه سنن نسایی بعد از صحیحین بخاری و مسلم است. این صحاح شش گانه نزد اهل سنت معتبر هستند، ولی همگی در یک درجه از اعتبار نیستند. از این رو صحیح بخاری و مسلم را از بقیه بالاتر و تمام احادیث این دو کتاب را صحیح و قابل قبول می‌دانند، اما به طور کلی در تمام این کتاب‌ها، هم احادیث معتبر هم غیر معتبر وجود دارد. بنابراین،

اعتبار اصل این کتب به‌عنوان یک منبع روایی را پذیرفته‌اند، اما این به‌معنای پذیرش تمام روایات موجود در آنها نیست.<sup>۱</sup>

#### ۴. صحاح سته و تعداد خلفای بعد از پیامبر ﷺ

دلیل اعتقاد به دوازده امام و جانشین در مذهب تشیع از دیرباز تا کنون احادیث معتبر پیامبر ﷺ است که در منابع روایی و احتجاجی شیعه با ذکر نام و مشخصات دقیق امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ یافت می‌شود. برخی علمای شیعه مانند علامه مجلسی، میزان این روایات را در حد تواتر می‌داند. (مجلسی، بی تا، ۱/۲۸) حال این سؤال‌ها مطرح می‌شود که آیا در منابع اصلی اهل سنت نیز چنین احادیثی یافت می‌شود، حدیث خلفای دوازده‌گانه در کتب آنها چگونه تبیین شده است و آیا دارای سند معتبر و مورد قبول علمای اهل سنت هستند. ابتدا باید گفت که نقل حدیث خلفای دوازده‌گانه در صحاح سته با عبارت‌های مختلفی صورت گرفته است و تعابیری مانند «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»، «يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» و... به چشم می‌خورد که در ادامه بررسی می‌شود.

#### ۴-۱. عبارت اول: «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

یکی از تعابیر صریح پیرامون تعداد خلفای پس از پیامبر ﷺ عبارت: «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً» است که در کتب ذیل وارد شده است:

#### ۴-۱-۱. صحیح مسلم

این حدیث در صحیح مسلم با الفاظ زیر آمده است:

- «عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»، قَالَ: ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ خَفِيَ عَلَيَّ، قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». (القشيري النيشابوري، ۱۴۳۱، ۳/۱۴۵۲) همان‌گونه که پیداست این نقل

۱. رک.، گل گلی، معصومه. رساله دکتری: آثار کلامی سیمای پیامبر ﷺ در صحاح سته و کتب اربعه. ص ۱۴-۲۵.

بر وجود دوازده جانشین برای پیامبر ﷺ دلالت دارد. همچنین این حدیث با عبارت «لایزال الدین قائماً» نشان می‌دهد که این دوازده جانشین، عامل استحکام و قوام دین اسلام هستند.

- در حدیث دیگری در همین کتاب روایت شده است: «جَابِرُ بْنُ سَمُرَةَ، يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَىٰ اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً، ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمْهَا، فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ فَقَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛ از جابر بن سمره روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: اسلام عزیز خواهد بود مادامی که دوازده خلیفه، رهبری به عهده دارند، سپس کلمه‌ای فرمود که متوجه نشدم. به پدرم گفتم چه فرمود. پدرم گفت: پیامبر ﷺ فرمود: تمام آنها از قریش هستند». (القشیری النیشابوری، ۱۴۳۱، ۳/۱۴۵۳)

- مسلم در حدیث دیگری که با سندهای مختلف آن را هشت بار نقل کرده است نزدیک به همین مضمون با ذکر سند این‌گونه نقل می‌کند: «عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَىٰ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ مَعَ غُلَامِي نَافِعٍ، أَنْ أَخْبِرَنِي بِشَيْءٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: فَكَتَبْتُ إِلَيْهِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ جُمُعَةٍ عَشِيَّةٍ رُجِمَ الْأَنْسَلَمِيُّ يَقُولُ: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّىٰ تَقُومَ السَّاعَةُ، أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ أَثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛ از عامر بن سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند که گفته است: من غلام را همراه نامه‌ای نزد جابر بن سمره فرستادم و از او خواستم مرا از آنچه از پیامبر ﷺ شنیده است، با خبر کند. او در نامه‌ای که برایم فرستاد، چنین نوشت: در شامگاه روز جمعه‌ای که آسلمی در آن روز رجم شد از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «همواره دین خدا استوار و پابرجاست تا آنکه قیامت به‌پا شود یا دوازده نفر خلیفه برای شما وجود داشته باشند که همه آنها از قریش هستند». (القشیری النیشابوری، ۱۴۳۱، ۳/۱۴۵۳)

۴-۲. سنن ابی داود

ابی داود سجستانی در سنن خود نیز پیرامون تعداد خلفای پس از پیامبر ﷺ از دو طریق روایت دارد که در یکی از آنها چنین آمده است: «عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا حَتَّىٰ يَكُونَ عَلَيْكُمْ أَثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، كُلُّهُمْ تَجْتَمِعُ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ، فَسَمِعْتُ كَلِمًا مِنَ النَّبِيِّ ﷺ لَمْ أَفْهَمْهَا، قُلْتُ لِأَبِي: مَا يَقُولُ؟ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛ همواره امر خلافت استوار و پابرجاست تا آنکه

دوازده نفر امیر وجود داشته باشند، امت بر همه آنان اجتماع خواهند داشت، سپس کلامی فرمود که متوجه نشدم. به پدرم گفتم چه فرمود؟ پدرم گفت: پیامبر ﷺ فرمود: تمام آنها از قریش هستند.» (سجستانی، ۱۴۳۱، ۱۰۶/۴)

۲-۴. عبارت دوم: «يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»

۱-۲-۴. صحیح بخاری

در صحیح بخاری حدیث دوازده جانشین با تعبیر امیر و صاحب امر امت معرفی می شود:

- «سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛ از جابر بن سمره روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمود: دوازده امیر، رهبری امت مرا به عهده می گیرند، سپس کلمه ای فرمود که متوجه نشدم. پدرم گفت: پیامبر ﷺ فرمود: همه آنان از قریش هستند.» (بخاری، ۱۴۰۱، ۸۱/۹)

این حدیث ثابت می کند که در اولین کتاب معتبر اهل سنت یعنی، صحیح بخاری نیز روایتی پیرامون تعداد جانشینان پس از پیامبر ﷺ نقل شده و شخص پیامبر ﷺ این مطلب را به امت اسلامی فرموده است.

۲-۴. سنن ترمذی

ترمذی در حدیث شماره ۲۲۲۳ کتاب خود نیز حدیث اثنا عشر امیر را نقل کرده است: «عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، قَالَ: ثُمَّ تَكَلَّمْتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَفْهَمْهُ فَسَأَلْتُ الَّذِي يَلِينِي، فَقَالَ: قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ، سَمِعْتُ مِنْ أَبِي سَلَمَةَ: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ». (ترمذی، ۱۴۳۱، ۷۱/۴) این روایت، عبارت صریحی درباره تعداد انحصاری جانشینان پیامبر ﷺ است. علاوه بر روایاتی که در صحاح سته نقل شده است عبارت دیگری با مضمون «اثْنَا عَشَرَ عِدَّةً نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» در دیگر کتب معتبر اهل سنت مانند مسند/حمد بن حنبل وارد شده است. ابن حنبل این حدیث را در شماره ۳۷۸۱ احادیث مسندش به صورت زیر نقل کرده است: «حدثنا حسن بن موسى حدثنا حماد بن زيد عن المجالد عن الشَّعْبِيِّ عن مسروق قال: كنا جلوساً عند عبد الله بن مسعود وهو يقرئنا القرآن، فقال له رجل:



یا ابا عبدالرحمن، هل سألتم رسول الله ﷺ: كم يملك هذه الأمة من خليفة؟، فقال عبدالله بن مسعود: ما سألتني عنها أحد منذ قدمتُ العراقَ قبلك، ثم قال: نعم، ولقد سألتنا رسول الله ﷺ؟ فقال: اثنا عشر، كعدة نقيب بني إسرائيل» (ابن حنبل، ۱۴۳۴، ۲۹/۴).

در توضیح این عبارت باید گفت که تعداد نقبای بنی اسرائیل، دوازده نفر بوده است. بنابراین، پیامبر ﷺ تعداد جانشینان خود را همان تعداد نقبای بنی اسرائیل معرفی می‌کند. هرچند این حدیث با این عبارت در صحاح سته دیده نمی‌شود، ولی حدیثی در کنار همان جملات و عبارات پیش گفته صحاح است که می‌تواند محل توجه باشد.

## ۵. صحت صدور عبارات در روایات

عبارت‌های مذکور هرکدام در چندین منبع معتبر اهل سنت نقل شده‌اند که ثابت می‌کنند ذکر عدد دوازده برای خلفای مورد نظر دارای شهرت روایی و بلکه تواتر معنوی در منابع روایی اهل تسنن است. وجه اشتراک نقل‌های مختلف حدیث اثناعشر خلیفه، وجود دوازده خلیفه بعد از پیامبر ﷺ است که از جهت سندی توسط علمای اهل سنت تأیید شده است و ترمذی، سند این حدیث را حسن صحیح می‌داند. (رک، ترمذی، ۱۴۳۱، ۷۱/۴) همچنین افرادی مانند ابن حجر هیثمی (هیثمی، ۱۴۱۷، ۵۳/۱)، عصامی مکی (عصامی مکی، ۱۴۱۹، ۴۱۸/۲)، بغوی (بغوی، ۱۴۰۳، ۳۱/۱۵) و علمای دیگری که ذکر همه آنها مستلزم تفصیل مطلب است سند این حدیث را صحیح دانسته‌اند. مهمتر از این تصریحات اندیشمندان اهل سنت، وجود این حدیث در صحاح اهل سنت مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داوود و سنن ترمذی نشان از صحت آن در نزد اهل سنت دارد، پس اعتقاد به دوازده نفر جانشین، جزء مشترکات امت اسلامی چه شیعه و چه سنی است. بنابراین، می‌توان گفت که برخلاف ادعای مشهور اهل سنت مبنی بر عدم تبیین جانشینان توسط پیامبر ﷺ وجود روایاتی مانند روایات اثناعشر خلیفه در مهمترین منابع معتبر روایی آنها مشخص می‌کند که پیامبر ﷺ به مسئله جانشینان بعد از خود اهتمام داشته و آن را به امت اسلامی نیز خاطر نشان کرده است. همچنین این نکته را بیان می‌کند که جانشینان برحق و تأیید شده پیامبر ﷺ باید در عدد دوازده منحصر کرد و بیش از این عدد به عنوان خلیفه مسلمین را

نامشروع دانست. حال این سؤال مطرح می‌شود که پیامبر ﷺ علاوه بر تعداد جانشینان برحق خود، آیا مصادیق آنها را نیز تعیین کرده است. آیا روایاتی که دوازده خلیفه را نام برده یا ویژگی‌های آنها را ذکر کرده باشد در منابع اهل سنت وجود دارد. اگر اهل سنت قائل به عدم تعیین مصادیق دوازده خلیفه از سوی پیامبر ﷺ هستند و چه اشخاصی را به‌عنوان مصادیق این عدد معرفی می‌کنند. این پرسش‌هایی است که در ادامه بررسی می‌شود.

### ۶. صحاح سته و مصادیق خلفای دوازده‌گانه

در منابع معتبر اهل سنت، پیامبر ﷺ به صراحت به تعداد دوازده جانشین پس از خود اشاره کرده است و علمای اهل سنت ناگزیرند خلفای خود را بر عدد دوازده منطبق کنند. با بررسی کتب اهل سنت این نکته به دست می‌آید که تعیین مصادیق دوازده جانشین ساده نبوده و با تشتت آرا همراه بوده است. علت این امر نیز این است که: الف) این احادیث را نمی‌توان بر جانشینانی که از صحابه پیامبر ﷺ بودند حمل کرد؛ زیرا تعداد آنها کمتر از دوازده بوده است؛ ب) بر زمامداران بنی‌امیه نیز قابل حمل نیست؛ زیرا بیش از دوازده نفر بوده‌اند و علاوه بر آن، همگی غیر از عمر بن عبدالعزیز مرتکب ظلم‌های فاحش شدند. همچنین بر خلفای عباسی نیز نمی‌توان حمل کرد؛ زیرا بیش از دوازده نفر بودند. (بهبهانی، ۱۳۹۵، ص ۳۴۱)

اندیشمندان اهل سنت به این چالش غیرقابل انکار و فراگیر، توجه کرده‌اند، اما همه بر یک سخن نیستند و راه‌حل‌های مختلفی ارائه داده‌اند که عبارتند از:

- اولین راه‌حل برخی از بزرگان اهل سنت این است که خلفای دوازده‌گانه از ابوبکر تا فرد دوازدهم را به صورت ترتیبی احصا کنند. برای مثال قاضی عیاض و ابن حجر عسقلانی، دوازده خلیفه را با این روش چنین نام برده‌اند: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، معاویه، یزید، عبدالملک مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، یزید بن عبدالملک، هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید بن عبدالملک. (عسقلانی، بی تا، ۲۱۴/۱۳) اشکال این احصا این است که افراد مورد قبول اهل سنت مانند عمر بن عبدالعزیز که بعد از این، افراد خلیفه شده را ندارد، پس این راه‌حل، مورد اجماع اهل سنت قرار نگرفته است. همچنین می‌توان

گفت که تکلیف اهل سنت پس از این دوازده خلیفه که عصرشان پایان یافته است، چیست. آیا براساس روایت: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (تفتازانی، ۱۴۰۹، ۲۳۹/۵) نباید خلیفه زمان خود را بشناسند تا مرگ جاهلی نداشته باشند.

- دومین راه حل برخی دیگر از بزرگان اهل سنت این است که از میان تمام خلفای مسلمین، دوازده نفر را گزینش کنند و مصداق حدیث پیامبر ﷺ قرار دهند. براساس این راه حل، هریک از بزرگان اهل سنت افراد مدنظر خود را گزینش کرده اند:

- ابن حجر هیثمی در *صواعق المحرقة* بعد از قبول خبر «الائمة بعدی اثنی عشر» کوشیده است تا این دوازده نفر را از میان سه گروه صحابه، بنی امیه و بنی عباس این گونه گزینش کند: ابوبکر، عمر، عثمان، علی رضی الله عنه، معاویه، یزید، عبدالملک، مروان، ولید، سلیمان، هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید بن عبدالملک. دیگری از میان سه گروه، چند تن را به این علت که به اصطلاح، خوب بودند، تعیین کرده و گفته است: «مراد پیامبر، افراد زیر است: ابوبکر، عمر، عثمان، علی رضی الله عنه، حسن رضی الله عنه، معاویه، عبدالله بن زبیر، عمر بن عبدالعزیز، مهدی عباسی، طاهر عباسی و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و سپس اعلام میکند که نفر دوازدهم را نیافته است (ر.ک.، ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷، ۵۵/۱).

- جلال الدین سیوطی در کتاب *تاریخ الخلفاء* در گزینش و تعیین تکلیف دوازده خلیفه این گونه نوشته است: «هشت تن از خلفای دوازده گانه پیامبر ﷺ عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن بن علی، معاویه، عبدالله بن زبیر، عمر بن عبدالعزیز». آن گاه احتمال داده است که دو نفر عادل دیگر برای خلیفه بودن، المهمتدی و الظاهر از سلاطین بنی عباس باشند، سپس برای دو خلیفه دیگر می نویسد: «اما دو نفر دیگر باقی ماند که باید به انتظار آنان باشیم: یکی از آن دو، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است» (سیوطی، ۱۴۲۵، صص ۱۶). سیوطی از نفر دوم نام نمی برد و فقط یازده نفر را معرفی می کند.

- ابن کثیر نیز در *البدایه والنهایه* پس از نقل حدیث جابر بن سمره: «لا يزال هذا الامر عزيزاً حتى يكون اثنا عشر خليفة كلهم من قريش» این گونه احصا کرده است: «چهار نفر از این دوازده نفر عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، علی و عمر بن عبدالعزیز. برخی از بنی عباس نیز از آنها هستند، سپس می گوید: «مقصود این

نیست که این دوازده تن بر نظم و ترتیب خاص (واز قوم و تیره مخصوص) باشند بلکه مقصود این است که دوازده امام و خلیفه وجود پیدا کنند» (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۱/۱۷۷).

- ابن عربی مالکی نیز از بزرگانی است که سعی کرده است با توجه به جوانب مختلف، حدیث را بر دوازده خلیفه تطبیق دهد. مالکی هر چند معتقد است تطبیق این روایت به احتمال زیاد ناقص بر افراد به بن بست می‌رسد، اما در نهایت می‌نویسد: «این روایت صحیح است و ما این دوازده امیر بعد از پیامبر ﷺ را چنین برمی‌شماریم: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن، معاویه، یزید، معاویه بن یزید، مروان، عبدالملک تا مروان بن محمد بن مروان، سفاح، منصور، مهدی، هادی، رشید، امین، مأمون، معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، مهتدی، معتضد، مکتفی، مقتدر، قاهر، راضی، متقی، مستکفی، مطیع، طائع، قادر، قائم و مقتدی که در سال ۴۸۴ او را دیدم، حکومت را به پسرش، مستظهر احمد سپرد، (مقتدی) در محرم ۴۸۶ وفات کرد. مستظهر احمد برای پسرش ابومنصور فضل بیعت گرفت و در سال ۴۹۵ خلافت عباسیان به پایان رسید. اگر بخواهیم از ابتدا دوازده نفر را به ترتیب بشماریم به سلیمان عبدالملک می‌رسیم و اگر بخواهیم با توجه به معنای جانشینی، دوازده تن را انتخاب کنیم آنها پنج نفر هستند: خلفای اربعه و عمر بن عبدالعزیز. من معنایی برای این حدیث نیافتم. شاید این تنها قسمتی از حدیث بوده است» (ابن عربی، بی تا، ۶۸/۹).

- ابن تیمیه نیز در *منهاج السنه* با پذیرش روایات دوازده خلیفه در تعیین مصادیق دوازده خلیفه سخن رانده است: «فکان الخلفاء ابوبکر و عمر و عثمان و علی ثم تولى من اجتمع الناس عليه و صار له عز و منعه معاویه و ابنه یزید ثم عبدالملك و اولاده الاربعه و بینهم عمر بن عبدالعزیز؛ خلفای دوازده گانه عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، علی علیه السلام هستند و سپس آنکه بر او مردم اجماع نمودند و دارای عزت و بزرگی شد: معاویه و پسرش یزید و عبدالملک و چهار فرزندش که در بین آنها عمر بن عبدالعزیز است.» (ابن تیمیه الحرانی، ۱۴۰۶، ۸/۲۳۸)

همان گونه که ملاحظه می‌شود بزرگان اهل سنت با وجود توجه داشتن به ضرورت احصای دوازده خلیفه و تلاش برای تعیین مصادیق آنها در این راه موفق نبوده و مسئله را پیچیده تر کرده اند. شاهد بر این ادعا اقرار برخی دیگر از بزرگان اهل سنت است. برای مثال مهلب گفته است: «تاکنون کسی را نیافتم

که درباره روایت خلفای دوازده گانه به نظر مشخصی رسیده باشد» (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ۲۱۱/۱۳).  
ابن جوزی می نویسد: «من درباره معنای این حدیث مدتی طولانی به بحث و بررسی پرداختم و به  
نقاطی که گمان می رفت معنای حدیث را در آنجا بیابم، سر زدم و در این باره به پرس و جو پرداختم، اما  
معنای حدیث را در نیافتیم» (عسقلانی، بی تا، ۲۱۲/۱۳).

## ۷. راهکار چالش

در مورد تعیین دوازده خلیفه در کتب معتبر اهل سنت پیشنهاد می شود به کتاب های دیگری مثل  
*ینابیع الموده لذوی القربی* تألیف سلیمان بن ابراهیم قندوزی و *فرائد السمطین* تألیف ابراهیم بن محمد  
حمویی جوینی مراجعه شود؛ زیرا برای نمونه در *ینابیع الموده*، روایت مفصلی از پیامبر ﷺ نقل شده  
است که حضرت در پاسخ به سؤال یک یهودی به نام نعثل، نام دوازده جانشین خود را به ترتیب فرموده  
است: «قال (نعثل): یا محمد فسمهم لی؟ فقال: ان وصیی علی بن ابی طالب و بعده سبطای الحسن و  
الحسین. اذا مضی الحسین فابنه علی، فاذا مضی علی فابنه محمد، فاذا مضی محمد فابنه جعفر، فاذا  
مضی جعفر فابنه موسی، فاذا مضی موسی فابنه علی، فاذا مضی علی فابنه محمد، فاذا مضی محمد  
فابنه علی، فاذا مضی علی فابنه الحسن، فاذا مضی الحسن فابنه الحجة محمد المهدی، فهؤلاء اثنا  
عشر» (ر.ک.، قندوزی، بی تا، ۲۸۱/۳).

پیامبر ﷺ در روایت دیگری از همین کتاب می نویسد: «و قال: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَجَدْتُ  
أَسْمَاءَهُمْ مَكْتُوبَةً عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بِالنُّورِ، اثْنَا عَشَرَ اسْمًا، أُولَئِهِمْ عَلِيٌّ وَسَبْطَاهُ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَ  
مُوسَى وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَمُحَمَّدٌ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (ر.ک.، قندوزی، بی تا،  
۲۸۱/۳) همان گونه که مشاهده می شود پیامبر ﷺ در این روایات اسامی دوازده جانشین پس از خود  
را به ترتیب و با جریان های مختلف به امت اسلامی فرموده است و با یک پژوهش می توان به این روایات  
در کتب اهل سنت دست یافت. راهکار دیگر، مراجعه به منابع معتبر شیعه است. مکتب تشیع کتبی  
دارد که روایت های بسیاری در این زمینه نقل کرده اند که از نظر سند و صدور، اشکالی بر آنها وارد نیست.  
این راهکار فقط برای تبلیغ تشیع گفته نمی شود بلکه راهی است که حتی مورد تأیید و اشاره برخی

اندیشمندان اهل سنت قرار گرفته است. برای مثال محدث سنی قندوزی حنفی با اشاره به چالش احصاء روایت دوازده خلیفه به امامان اهل بیت علیهم السلام به عنوان تنها مصادیق دوازده خلیفه اشاره می‌کند و می‌نویسد: «برخی محققان می‌گویند احادیثی که بر وجود دوازده جانشین پس از پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت دارند از طرق زیادی روایت شده‌اند.

باتوجه به زمان، مکان و شرایط این حدیث معلوم می‌شود که منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کلام، دوازده امام از اهل بیت اوست؛ زیرا نمی‌توان گفت که مقصود، خلفای صحابی بوده‌اند چون کمتر از دوازده نفرند و نمی‌توان ادعا کرد که پادشاهان اموی بوده‌اند چون از جهتی بیش از دوازده نفرند و جز عمر بن عبدالعزیز آشکارا به مردم ظلم و ستم زیادی روا می‌داشتند و از جهت دیگر از بنی هاشم نبودند چون طبق روایت جابر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «همگی از بنی هاشم هستند». پادشاهان عباسی نیز بیش از عدد گفته شده، هستند، پس باید این حدیث را به دوازده امام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر کرد که همانا آنها داناترین مردم زمان خود و والامقام‌ترین و باتقواترین و پرهیزکارترین بودند که حسب و نسبشان از همه برتر و نزد خدا گرامی‌تر بودند (قندوزی، بی‌تا، ۳/۲۹۲).

علی بن عیسی اربلی نیز در تبیین این راهکار برای اهل سنت می‌نویسد: «اهل سنت مجبورند مصداق دوازده جانشین را در حدیث اثناعشر خلیفه در غیر امامان شیعه تعیین کنند، اما نمی‌توانند؛ زیرا حاکمان آنها از صحابه، بنی امیه و بنی عباس بیش از پنجاه نفرند، پس باید مراد از این حدیث را امامان دوازده‌گانه شیعه بدانند یا اینکه به ضعیف بودن اخبار کتب خود اقرار کنند که ما به آن هم راضی هستیم. چون در هر دو صورت، بطلان عقیده و تفسیر آنها از حدیث اثناعشر روشن خواهد شد». (اربلی، ۱۳۸۱، ۵۷/۱). از این جهت مشخص می‌شود که صحیح‌ترین تبیین برای تعیین مصداق دوازده خلیفه، امامان شیعه امامیه هستند.

## ۸. نتیجه‌گیری

باتوجه به پژوهش حاضر ثابت می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله در جاهای مختلف، تعداد خلفای خود را دوازده خلیفه عنوان کرده است و روایات آن در کتب شش‌گانه اهل سنت مثل صحیح بخاری، صحیح مسلم

و ترمذی با تعابیری مانند اثناعشر خلیفه یا اثناعشر امیر نقل شده است. همچنین این نکته ثابت می‌شود که بزرگان اهل سنت مانند سیوطی، ابن حجر و حتی ابن تیمیه نتوانسته‌اند مصداق خلفای دوازده‌گانه را مشخص کنند. بنابراین، هنوز این سؤال که منظور پیامبر ﷺ از دوازده خلیفه چه کسانی است، پاسخ داده نشده است.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: اسوه.
۱. ابن تیمیه الحرانی، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶). *منهاج السنه النبویه*. محقق: محمد رشاد سالم. بی‌جا: مؤسسه قرطبه.
  ۲. ابن تیمیه الحرانی، تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶). *منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه*. محقق: محمد رشاد سالم، ریاض: جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
  ۳. ابن خلکان، شمس‌الدین احمد (۱۹۷۱). *وفیات الأعیان و انباء انباء الزمان*. محقق: احسان عباس. بیروت: دارصادر.
  ۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸). *البدایه و النهایه*. محقق: شبیری، علی. بی‌جا: دار احیاء التراث العربی.
  ۵. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۳۱). *سنن ابن ماجه*. محقق: محمد فؤاد عبدالباقی. بی‌جا: دار احیاء الکتب العربیه.
  ۶. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد (۱۴۱۷). *الصواعق المحرقة علی اهل الرض والضلال و انزندقه*. محقق: الترقی عبدالرحمن بن عبدالله. لبنان: مؤسسه الرساله.
  ۷. ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد (۱۴۳۴). *مسند امام احمد بن حنبل*. محقق: احمد محمد شاکر. قاهره: دار الحدیث.
  ۸. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸). *دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصروهم من ذوی الشأن الاکبر (تاریخ ابن خلدون)*. محقق: خلیل شحاده. بیروت: دار الفکر.
  ۹. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمه فی معرفه الاثمه*. مصحح: میانجی، ابراهیم. تبریز: کتابچی حقیقت.
  ۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). *صحیح البخاری*. بیروت: دار الفکر.
  ۱۱. بغوی، ابومحمد (۱۴۰۳). *شرح السنه*. بیروت: المکتب الاسلامی.
  ۱۲. بهبهانی، عبدالرحیم سلیمانی (۱۳۹۵). *محاضرات فی الالهیات*. بی‌جا: انتشارات راند.
  ۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۳۱). *الجامع الکبیر: سنن الترمذی*. محقق: بشار عواد معروف. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
  ۱۴. الذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۹). *تذکره الحفاظ*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
  ۱۵. الذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (بی‌تا). *سیر اعلام النبلا*. محقق: شعیب الأرنؤوط. بی‌جا: مؤسسه الرساله.
  ۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: دار القلم.
  ۱۷. سجستانی، ابوداود (۱۴۳۱). *سنن ابی داود*. محقق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید. بیروت: المکتبه العصریه.
  ۱۸. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۵). *تاریخ الخلفا*. محقق: حمدی الدمرداش. بی‌جا: مکتبه نزار مصطفی‌الباز.
  ۱۹. عسقلانی، احمد بن حجر (۱۴۰۴). *تهذیب التهذیب*. بیروت: دار الفکر.
  ۲۰. عسقلانی، احمد بن حجر (بی‌تا). *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*. بیروت: دار المعرفه.
  ۲۱. عسکری، مرتضی (۱۳۸۸). *بازشناسی دو مکتب*. مترجم: کریمی، محمدجواد. قم: دانشکده اصول‌الدین.

۲۲. عصامی مکی، عبدالملک بن حسین بن عبدالملک (۱۴۱۹). سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل والتوالی. محقق: عادل احمد عبدالموجود، علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. القسطلانی، احمد بن محمد (۱۳۲۳). ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری. مصر: المطبعه الکبری الامیریہ مصر.
۲۴. القشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج (۱۴۳۱). صحیح مسلم. محقق: عبدالباقی، محمد فؤاد. قاهره: داراحیاء الکتب العربیہ.
۲۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (بی تا). دارالاسوه. بی جا: دارالاسوه.
۲۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). المسائل العکبریہ. محقق و مصحح: الہی خراسانی، علی اکبر. قم: دارالمفید.

